

بسمه تعالی

منافع اقتصادی کشورهای بزرگ در لیبی

مقدمه

لیبی کشوری است در شمال آفریقا که با یک میلیون و ۷۶۰ هزار کیلومتر مربع مساحت، چهارمین کشور بزرگ قاره آفریقا محسوب می‌شود. کشورهای مصر، سودان، الجزایر، تونس، نیجر و چاد در همسایگی لیبی قرار دارند.

کشور لیبی از نظر اقتصادی در بین کشورهای شمال آفریقا موقعیت ویژه‌ای دارد. در حالی که کشورهای الجزایر، مصر، مراکش و تونس پرجمعیت، برخوردار از پتانسیل‌های کشاورزی فراوان و دارای زیرساخت صنعتی مناسب هستند، لیبی در این زمینه‌ها مزیت چندانی ندارد. ۹۰ درصد خاک لیبی را صحرای بدون آب و علف تشکیل می‌دهند. هیچ جریان آبی دائمی در خاک لیبی وجود ندارد و تنها ۲ درصد خاک آن کاربرد کشاورزی دارد و بخش عمده‌ی مواد غذایی مورد نیاز مردم لیبی از خارج وارد می‌شود. در مقابل، این کشور از منابع عظیم نفت برخوردار است که همین امر را می‌توان مهمترین دلیل توجه قدرتهای بزرگ به این کشور دانست. وجود منابع عظیم و مرغوب نفت در لیبی و نزدیکی مکان تولید تا بازار مصرف از نکاتی است که توجه اروپائیان را جلب نمود و سبب شد که این کشورها در زمان حکومت قذافی، علیرغم دشمنی با رژیم قذافی همچنان به روابط اقتصادی خود اهمیت داده و روابط اقتصادی خود را با لیبی حفظ نمایند. در حال حاضر با سرنگونی حکومت قذافی شرکتهای نفتی غربی رقابت شدیدی را برای حفظ موقعیت خود در بازار نفت لیبی یا ورود به این بازار آغاز کرده‌اند.

نگاهی به اقتصاد لیبی

نفت محور اصلی اقتصاد لیبی را تشکیل می‌دهد و تقریباً تنها کالای صادراتی این کشور است. ۹۰ درصد درآمدهای لیبی از فروش نفت به دست می‌آید. ذخایر شناخته شده نفت خام لیبی ۴۶ میلیارد بشکه درجا و بزرگترین منبع موجود در سراسر آفریقا است. لیبی هفدهمین تولیدکننده و دوازدهمین

صادرکننده نفت در جهان به حساب می‌آید. همچنین این کشور در میان ۱۲ کشور عضو اوپک مقام هفتم را در صدور نفت در اختیار دارد.

علاوه بر ذخایر عظیم نفت خام، که از بهترین انواع آن در جهان به‌شمار می‌رود (نفت سبک با سولفور پائین)، لیبی دارای ذخایر بزرگ گاز طبیعی نیز هست. حجم این ذخایر گاز طبیعی لیبی ۱۵۰۰ میلیارد مترمکعب است و این کشور رتبه چهارم تولیدکننده گاز در قاره آفریقا را دارد. کشور لیبی با وجود در اختیار داشتن بزرگ‌ترین ذخیره درجا و سومین تولیدکننده بزرگ نفت آفریقا است. هزینه تولید نفت خام در لیبی بسیار پایین و کمتر از ۱ دلار در هر بشکه است. بیش از ۸۵ درصد از صادرات نفت خام لیبی به اروپا و تنها ۱۳ درصد آن به آسیا فروخته می‌شود. ۳۲ درصد نفت صادراتی لیبی به ایتالیا، ۱۴ درصد به آلمان، و ۱۰ درصد به فرانسه صادر می‌شود. در میان کشورهای آسیایی، چین به تنهایی ۱۰ درصد از صادرات نفت لیبی را جذب می‌کند.

با توجه به جمعیت نسبتاً کم لیبی (۶/۵ میلیون نفر) ثروت نفتی آن سبب شده که رقم درآمد سرانه آن نسبتاً بالا باشد. بطوری که درآمد سرانه این کشور در سال ۲۰۱۰ میلادی حدود ۱۰۸۷۳ دلار^۱ بود و از این لحاظ در آفریقا در صدر جدول قرار گیرد. تولید نفت لیبی در ماه ژانویه ۲۰۱۱ میلادی یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه بوده که ۸۵ درصد آن را صادر کرده است. در سال ۲۰۰۸ میلادی که هنوز بحران اقتصادی جهانی کاملاً اثرگذار نشده بود، درآمد نفت لیبی به ۴۶ میلیارد دلار رسید. لیبی از نادر کشورهای آفریقا است که توانست از بحران اقتصادی جهانی جان سالم به در ببرد و آسیب چندانی از بحران جهانی ندید.

اهمیت نفت لیبی برای کشورهای صنعتی

نفت لیبی برای اقتصاد جهان بویژه کشورهای صنعتی حائز اهمیت است. همانطور که گفته شد، این کشور صاحب بزرگترین منابع نفتی آفریقا است و هفدهمین تولیدکننده و دوازدهمین صادرکننده نفت در جهان به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، ۲ درصد نفت مورد نیاز جهان را لیبی تأمین می‌کند. تحریم‌های بین‌المللی علیه لیبی به مدت ۱۰ سال، ضربات قابل توجهی به اقتصاد این کشور وارد کرد، ولی از سال ۲۰۰۳ میلادی که جامعه بین‌الملل تحریم‌های خود را از روی لیبی برداشت، اقتصاد این

۱ - IMF, World Economic Outlook Database, September ۲۰۱۱.

کشور بهبود یافت و با فعال شدن بخش‌های خصوصی، لیبی به رشد قابل توجهی دست یافت. همچنین تعداد زیادی از شرکتهای چندملیتی نفتی فعالیت خود را در این کشور آغاز کردند. قراردادهای نفتی لیبی با شرکتهای خارجی بیشتر بر اساس «تقسیم تولید و سود» آن است. نیمی از تولید نفت لیبی را شرکت دولتی نفت آن کشور و نیم دیگر را شرکتهای خارجی مانند انی^۱ (ایتالیا)، استات اویل^۲ (نروژ)، اکسیدنتال^۳ (آمریکا)، کونکو فیلیپس^۴ (آمریکا)، اکسان موبیل^۵ (آمریکا) رویال داچ شل^۶ (هلند و بریتانیا) و بی‌پی^۷ (بریتانیا) مدیریت می‌کنند.

به دلیل مرغوبیت بسیار بالای نفت لیبی، نه تنها شرکتهای غربی، بلکه حتی روسیه نیز که خود از تولیدکنندگان مهم نفت و گاز جهان است، در سالهای گذشته متوجه اهمیت حضور در بازار نفت این کشور شد و در سال ۲۰۰۸ میلادی در جریان سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور وقت روسیه، میان روسیه و لیبی بر سر بهره‌برداری از میدانهای نفت و گاز جدید توافقهایی مهمی حاصل شد.

در سال ۲۰۰۳ میلادی با اعلام آمادگی قذافی برای عدم حمایت از تروریسم بین‌المللی و کنار گذاشتن برنامه‌های خود برای تهیه و تولید سلاح‌های کشتار جمعی، غرب تحریم‌های لیبی را لغو کرد. از آن زمان راه برای رقابت کمپانی‌های نفتی بین‌المللی باز شد. نقش پررنگ اعضای اروپایی ناتو در حمله به لیبی در سالجاری را می‌توان ناشی از انگیزه‌های جدی اروپایی‌ها در تسلط بر منابع نفتی جهان و همچنین نقاط استراتژیک دنیا دانست. خریداران عمده نفت لیبی ایتالیا، فرانسه و آلمان هستند. واردات نفت برخی از کشورهای کوچک اروپا گرچه در قیاس با سه کشور یادشده چشمگیر نیست اما سهم عمده‌ای را در واردات این کشورها تشکیل می‌دهد. برای مثال ایرلند ۲۳ درصد و اتریش ۲۱ درصد نفت مورد نیاز خود را از لیبی تأمین می‌کنند. شرکتهای مهم نفتی غربی تا پیش از تحولات لیبی، روزانه نزدیک به ۱/۶ میلیون بشکه نفت استخراج داشتند. شرکت نفتی "انی" ایتالیا روزانه بالغ بر ۱۰۸ هزار بشکه و شرکت نفتی آلمانی "باسف"^۸ ۱۰۰ هزار بشکه نفت در روز تولید

۱ - ENI

۲ - Statoil

۳ - Occidental

۴ - ConocoPhillips

۵ - ExxonMobil

۶ - Royal Dutch Shell

۷ - BP

۸ - BASF

می کردند. کشور اتریش ۱۰ درصد نفت خود را از لیبی وارد می کرد و ۲/۳ درصد از تولیدات نفتی شرکت فرانسوی "توتال"^۱ از محل استخراج نفت در لیبی بود.

در شرایط فعلی لیبی، قدرتهای جهانی به ویژه کشورهای غربی رقابت شدیدی را برای تصاحب ذخایر نفتی لیبی بعد از سقوط قذافی آغاز کرده اند. به طوری که فرانسه و ایتالیا به تجارتهای خوب و پر سود با لیبی آزاد شده امیدوار هستند. قابل ذکر است که ایتالیا از معدود کشورهای اروپایی بود که به بهای به دست آوردن قراردادهای هنگفت برای شرکت های ایتالیایی، تحریم های چند ساله علیه لیبی را شکسته بود. شرکت های ایتالیایی و توتال فرانسه بیشترین نفت را قبل از برپایی قیام لیبی از این کشور وارد می کردند. این دو شرکت بزرگ نفتی اروپایی از جمله شرکت هایی هستند که امیدوارند بتوانند تجارتهای خوبی را با لیبی آزاد شده انجام دهند. مقام های فرانسه از لیبیایی های انقلابی خواسته اند به توافق ها و قراردادهای کلان قبلی شرکت نفتی توتال با دولت قذافی نیز احترام بگذارند. این در حالی است که روسیه، چین و برزیل که در رأی گیری سازمان ملل برای مداخله نظامی در لیبی رأی منفی دادند، نیز در صف کشورهای خواهان برقراری ارتباط با لیبی جدید هستند. روسیه، چین و برزیل در زمان حکومت قذافی روابط اقتصادی خوبی با لیبی داشتند. به عنوان مثال قبل از شروع انقلاب لیبی ۳۶ هزار چینی و ۷۵ شرکت این کشور در ۵۰ پروژه زیر ساختی در لیبی شرکت داشتند که در شرایط فعلی همه این شراکتها زیر سوال رفته است.

به نظر می رسد تنها کشور اروپایی که در لیبی نه تنها منافی به دست نیارود بلکه منافی نیز از دست داد، روسیه باشد. روسیه مخالف جدی اقدام نظامی ناتو در لیبی بود. روسیه به قطعنامه شورای امنیت علیه رژیم قذافی رأی مثبت نداد. به همین ترتیب این کشور به مخالفان مسلح قذافی کمک نکرد. این موضوع از نظر آنان که در لیبی پس از قذافی امتیازها را تقسیم می کنند نادیده گرفته نمی شود. مقامات شرکت نفتی آگوکوی^۲ لیبی که به شرکت نفت انقلابیون لیبی معروف شده است، گفته اند که در عقد قرارداد با شرکت های غربی ایتالیایی، فرانسوی و انگلیسی مشکلی ندارند اما در مذاکره تجاری با روسیه، چین و برزیل که موضع مثبتی در قبال شورای انتقالی ملی اتخاذ نکردند، با مشکلات سیاسی مواجه هستند. منافع روسیه در لیبی با آینده ای بسیار مبهم مواجه شده است.

۱ - Total

۲ - Agoco

مقام‌های روسیه تحولات اخیر در لیبی را بیشتر طرح‌های کشورهای غربی برای گسترش نفوذ در شمال آفریقا تلقی می‌کنند و به همین دلیل از ابتدا با حمله نظامی به لیبی مخالفت کردند. با این حال پس از آنکه انقلابیون لیبی در آستانه پیروزی قرار گرفتند روسیه نیز به جمع تحریم‌کنندگان رژیم لیبی پیوست. به نظر می‌رسد اتخاذ این سیاست دوگانه خسارت بیشتری برای شرکتهای روسی در لیبی به همراه داشته باشد.

امریکا از سال ۲۰۰۴ میلادی با هدف گشودن درهای ذخایر عظیم نفت لیبی به روی شرکت‌های نفتی غرب، تحریم‌های اعمال شده علیه لیبی را لغو کرد. با این حال، در سال‌های گذشته، واشنگتن از ملی شدن منابع نفتی لیبی بیمناک بود. لذا خیزش مردمی علیه حکومت قذافی و آغاز جنگ داخلی بهانه مناسبی بود که کشورهای غربی بویژه آمریکا رژیم لیبی را سرنگون کرده و دولتی را در این کشور بر سر کار آورند که در خدمت منافع غرب باشد. به نظر می‌رسد دوری کشور لیبی از حوزه منافع مستقیم امریکا سبب شده اتحادیه اروپا نقش آفرین اصلی در تحولات این کشور باشد با این حال امریکا نمی‌تواند از نفت لیبی چشم پوشی کند. دست یافتن به نفت لیبی سبب می‌شود امریکا و غرب به یک اهرم کنترل مؤثر بر بازار عرضه نفت در جهان دست یابند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ویژگی‌هایی همچون فاصله نزدیک با اروپا، داشتن سواحل دریایی برای حرکات و نقل و انتقالات دریایی، وجود منابع غنی نفت و نزدیکی مکان تولید تا بازار و مانند آن از جمله دلایلی است که سبب شده بود کشورهای اروپایی علیرغم دشمنی با رژیم قذافی، همچنان به روابط اقتصادی خود ادامه دهند. کیفیت بالای نفت لیبی و نزدیکی پایانه‌های نفتی این کشور به دریای مدیترانه و ارزان بودن نفت لیبی در مقایسه با سقف تعیین شده اوپک نیز دلایل دیگر اهمیت رابطه کشورهای غربی بویژه اروپا با لیبی می‌باشد.

از جمله سایر انگیزه‌های عملیات کشورهای غربی در لیبی می‌توان به تضعیف حضور چین و حتی روسیه در لیبی و جلوگیری از گسترش نفوذ این کشورها در آفریقا اشاره نمود. بدین ترتیب آفریقا میدان جدید رقابت غرب با روسیه و چین است. چین از سال‌ها پیش در حال گسترش نفوذ

خود در قاره آفریقا است. لذا آمریکا نیز به دنبال حذف نقش آفرینی روسیه و چین در تحولات خاورمیانه عربی است تا از این طریق منافع خود را تأمین کند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. Collon, Michel, "Understanding the war in Libya ", ۲۷ April ۲۰۱۱, http://www.michelcollon.info/IMG/article_PDF/article_a۳۲۳۳.pdf.
۲. U. Ordu, Aloysius, Jacob Kolster and Nono Matondo-Fundani, "Libya: Post-War Challenges", AfDB, September ۲۰۱۱, www.afdb.org.
۳. <http://www.asrekimyagari.com/asrkimiagari/News.aspx?NID=۳۵۴>
۴. <http://www.investors.com/NewsAndAnalysis/Article/۵۶۶۹۹۷/۲۰۱۱۰۳۲۳۱۸۴۸/A-Secret-Policy-.aspx>